

مبارزه‌ی مهسا مبارزه‌ی ماست؛ نگرش جامعه‌ی مدنی ترکیه به قتل مهسا امینی

نهال تابش



روزهاست که خیابان‌های ایران می‌سوزد. روزهاست که در سراسر دنیا، ما زنان از درون می‌سوزیم. «خشم و عصیان‌مان بیشتر می‌شود. خشونت دولتی یک زن دیگر را به دلیل نپذیرفتن مرزهای تحمیل‌شده بکشت»

بخشی از بیانیه‌ی گروه «زنان در کنار هم پرتوان‌اند» در مقابل کنسولگری ایران در استانبول

قتل مهسا امینی و اعتراضات زنان ایرانی

در پی مرگ ژینا (مهسا) امینی، دختر ۲۲ ساله‌ی ایرانی، در هنگام دستگیری و بازداشت توسط گشت ارشاد، موج اعتراض ایران را فرا گرفت. در اعتراض به مرگ ژینا، زنان و مردان ایرانی به خیابان‌ها آمدند و تصاویری تکان‌دهنده خلق کردند.

مرگ ژینا اما فقط در ایران بازتاب و واکنش گسترده‌ای نداشت. سیاستمداران و اشخاص نامدار در سطح جهانی به مرگ ژینا واکنش نشان دادند. در این میان، زنان، رسانه‌ها، فعالان سیاسی و اجتماعی و سلبریتی‌های ترکیه واکنش‌های چشمگیری نسبت به قتل ژینا امینی نشان داده‌اند.

سایت بی‌بی‌سی ترکی از اولین رسانه‌هایی بود که در روز قتل ژینا امینی به این موضوع پرداخت و نوشت: «از چند ماه قبل اعتراضات به حجاب در جریان است و فعالان از رعایت حجاب خودداری می‌کنند.» پوشش خبری گسترده‌ی رسانه‌های ترکیه اما یک روز پس از خاکسپاری ژینا امینی و در روز ۲۷ شهریور آغاز شد. خبر دستگیری و مرگ ژینا در صفحه‌ی نخست دو روزنامه‌ی **جمهوریت** و **بیر گون گازیسی** منتشر شد. روزنامه‌ی چپ‌گرای **بیر گون گازیسی** با تیتر «زنی پس از بازداشت توسط پلیس اخلاق ایران، در اغما جان باخت»، و **جمهوریت** - که رویکردی لائیک دارد - با تیتر «مهسا امینی، پس از بازداشت توسط "پلیس اخلاق" ایران در اغما درگذشت.» به مرگ سوگناک ژینا پرداختند.

نورگل یشیل‌چای، بازیگر معروف ترک، یکی از اولین سلبریتی‌هایی بود که داستان ژینا را منعکس کرد. او با باز نشر مطلب روزنامه‌ی **سان** نوشت: «باعث تأسفه... افسوس برای همه‌ی زنان در جهان»، و به این ترتیب داستان ژینا را با ۲/۵ میلیون فالوئر خود به اشتراک گذاشت. در همان زمان، او در توئیتر خود نیز، همین متن را با هشتک‌های فارسی و انگلیسی «مهسا امینی» منتشر کرد. اندکی بعد، بسیاری از چهره‌های ادبی و هنری ترکیه داستان ژینا امینی را منتشر کردند. الیف شفق، نویسنده؛ کوکان الکان، هنرپیشه؛ حدیثه، خواننده؛ هولیا اُزدمیر، نقاش؛ و بسیاری دیگر از نامداران ترکیه به مرگ ژینا پرداختند.

در این میان، احزاب ترکیه هم در رسانه‌ها از مرگ ژینا امینی نوشتند. احزاب «خلق‌های دموکراتیک»، «حزب چپ»، «حزب کار ترکیه»، «حزب داوا»، «حزب سبز» و... در مورد مرگ ژینا امینی بیانیه صادر کردند.

مبارزه؛ رمز مشترک زنان ایران و ترکیه

زنان و اقلیت‌های جنسی ترکیه همانند هم‌تایان ایرانی‌شان، سال‌هاست که با خشونت، تبعیض، ازدواج اجباری و قتل‌های ناموسی درگیرند. سیاست‌های دولت ترکیه در سال‌های اخیر عرصه را بر زنان و اقلیت‌های جنسی تنگ‌تر کرده است. گرچه دولت ترکیه سکولار است اما قوانین در زمینه‌ی خشونت، تبعیض و قتل‌های ناموسی به شکلی وضع شده‌اند که دست خشونت‌گر را باز گذاشته و در معنایی دیگر از آزارگر حمایت می‌کنند. برای مثال، می‌توان به نادیده گرفتن خشونت خانگی، وضع حکم‌های کوتاه‌مدت و چشم بستن بر آزار اقلیت‌های جنسی اشاره کرد.

جمیله باکلاجی، سخنگوی سازمان «همبستگی بنفش» - یکی از گروه‌های مستقل زنان فمینیست که فراخوان تجمع زنان فمینیست در مقابل کنسولگری ایران را صادر کرده بود - درباره‌ی این موج گسترده‌ی همبستگی چنین می‌گوید:

در ترکیه شدت گرفته است. در آخر LGBTQ+ ایران از ما دور نیست. خصومت نسبت به گروه‌های «شورای عالی رادیو و RTÜK هفته‌ی گذشته با حمایت دولت، با اجازه‌ی فرمانداری و با حمایت تبلیغاتی گروهی از اوباش مرتجع اسلام‌گرا و یک گروه نژادپرست دیگر که خود را جمهوری‌خواه، (تلویزیون ترکیه راهپیمایی LGBTQ+ می‌نامیدند، به خیابان‌ها آمدند و با شعارها و پلاکاردهای نفرت‌پراکن علیه گروه‌های کردند. حضور در خیابان‌های ترکیه برای کسانی که به دنبال حقوق‌شان هستند، ممنوع است. زنانی که برای مقابله و جلوگیری از زن‌کشی و برای اعتراض به خیابان می‌آیند، در معرض خشونت پلیس، شکنجه و آزار و اذیت‌اند. در ترکیه زنانی که با شوهران و پدرانشان مخالفت می‌کنند، و زنانی که خواستار طلاق‌اند، کشته می‌شوند و مردان از مجازات در امان می‌مانند. شورش زنان در ایران و قتل مهسا امینی شباهت زیادی به «چیزی دارد که در اینجا در جریان است. عصبانیت‌مان هم

«این روزها برداشتن حجاب از امری فردی به امر جمعی بدل شده است. این روزها

صدای آشنایی از خیابان‌های تهران به گوش می‌رسد: "زن، زندگی، آزادی"»

در اول ژانویه‌ی ۲۰۲۱ دولت ترکیه از «کنوانسیون استانبول» خارج شد. بر مبنای این کنوانسیون، کشورهای عضو موظف‌اند که هرگونه خشونت - از خشونت کلامی تا خشونت فیزیکی، تجاوز، قتل ناموسی، سقط جنین اجباری و ازدواج اجباری - را در قانون کشور «جرم» نامیده و مجازات‌های لازم برای مجرمان را پیش‌بینی و تصویب کنند. به‌رغم اعتراض فعالان و طرفداران حقوق زنان و درخواست تجدید نظر، مقامات قضائی ترکیه این درخواست را رد کردند. دولت اردوغان با انتشار بیانیه‌ای در دفاع از تصمیم دولت اعلام کرد: «خروج کشور ما از کنوانسیون به نقص قانونی یا عملی در جلوگیری از خشونت علیه زنان نخواهد انجامید». فعالان و حامیان حقوق زنان اما معتقدند که تصمیم دولت در جهت راضی کردن طرفداران رادیکال مسلمانان بوده است، کسانی که می‌گویند به قوانین غربی برای حمایت از خانواده و زنانشان نیاز ندارند.

در ۲۵ آوریل ۲۰۲۲ احکام سنگینی برای فعالان حقوق بشری پرونده‌ی سال ۲۰۱۳ «پارک گزی» صادر شد. عثمان کاوالا، فعال و بشردوست ترکیه‌ای، به حبس ابد محکوم شد، اتهامی که در سال ۲۰۱۸ از آن تبرئه شده بود. هفت نفر دیگر نیز به ۱۸ سال زندان محکوم شدند. اردوغان در ۲۷ آوریل در مهمانی افطاری با برخی از سازمان‌های غیردولتی استانبول، درباره‌ی عثمان کاوالا گفت: «این مرد پشت صحنه‌ی «این اتفاقات بود، او هماهنگ‌کننده‌ی وقایع گزی بود

در ژانویه ۲۰۲۲، دو هفته پس از آنکه سزن آکسو، خواننده‌ی مشهور پاپ ترکیه، ویدیوکلیپ جدیدی از آهنگ سال ۲۰۱۷ خود، «چیز فوق‌العاده‌ای را زندگی کردن»، منتشر کرد، حساب‌های شبکه‌های اجتماعی حامی دولت، حملات گسترده‌ای را علیه او آغاز کردند و جمله‌ی «بر حوا و آدم جاهل سلام کن» را اهانت به مقدسات مذهبی خواندند. پس از آن، سیاستمداران و همچنین سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌های طرفدار دولت، آکسو را هدف قرار دادند. و در آنکارا گروهی از مردان به دلیل «توهین به ارزش‌های مذهبی» و حمله به اسلام از آکسو شکایت کردند.

در ۲۵ اوت امسال هم گلشن، خواننده‌ی محبوب پاپ ترکیه، نیز به علت شوخی با مدارس مذهبی «امام خطیب» و به اتهام «تحریک مردم به نفرت و خصومت»، دستگیر شد. او پس از چهار روز حبس، تا ۱۲ سپتامبر در بازداشت خانگی به سر برد. گلشن همواره به دلیل سبک پوشش خود و حمایت از از سوی رسانه‌های طرفدار دولت «وقیح» خوانده شده است. فعالان سیاسی و LGBTQ+ گروه‌های اجتماعی معتقدند که دلیل این دستگیری تلاش برای مرعوب کردن مخالفان و راضی نگه داشتن موافقان اسلام‌گرای اردوغان در انتخابات سال آینده است.

تشدید حملات اسلام‌گرایان در ترکیه به زنان و هنرمندان و مشابهت وضعیت ترکیه کنونی به سال‌های نخست انقلاب ایران، سبب شده تا زنان ترکیه، مبارزه‌ی زنان ایرانی برای دسترسی به حقوق‌شان را نه صرفاً موضوع کشور همسایه بلکه بخشی از مسئله‌ی خود بدانند. جمیله باکلجی می‌گوید: «گروه‌های مذهبی مطالبه می‌کنند: قرارداد استانبول فسخ می‌شود. گروهی از مردان خود را پدران دردمند می‌خوانند: حق نفقه ما قطع می‌شود. بازیگران هدف قرار می‌گیرند. کنسرت ممنوع می‌شود. هنرمندان و روزنامه‌نگاران دستگیر می‌شوند. به‌رغم همه‌چیز، ما تحت فشار و در نظامی فاشیستی زندگی و مقاومت می‌کنیم، فاشیسمی که در آن زنان تنها زمانی انسان به شمار می‌روند که جزئی از خانواده باشند، خانواده‌ای نادیده گرفته می‌شوند. ایران از ما دور نیست. LGBTQ+ که با خشونت در آن زندانی می‌شوند. گروه‌های «در این کشور، قانون علیه افشار خاص جامعه، علیه زنان، علیه دگرباشان جنسی و... عمل می‌کند او درباره‌ی علت فراخوان تجمع اعتراضی ۳۰ شهریور در مقابل کنسولگری ایران در اعتراض به قتل ژینا امینی می‌گوید: «گروه زنان در کنار هم پرتوان‌اند» مسئول این تجمع بود. این گروه، متشکل از سازمان‌های مختلف زنان و فمینیست‌هاست. ما در کنار هم با تبعیض و خشونت علیه زنان می‌جنگیم. تعداد زیادی از زنان و اقلیت‌های دگرباش ایرانی به فراخوان ما پاسخ مثبت دادند. در سراسر جهان، زن‌کشی در حال افزایش است. فشار بر نحوه‌ی انتخاب و زندگی زنان بیشتر می‌شود. مبارزه با دولت‌ها و رژیم‌های سرمایه‌دار و مردسالار، زنان را نزدیک‌تر کرده و مبارزان را متحد می‌کند. ایران خیلی نزدیک است. خاک و فرهنگ به هم نزدیک‌اند. به همین دلیل، در خشم و عصیان شریک‌اند. وقتی مبارزه می‌کنیم، از یکدیگر «نیرو می‌گیریم»

او درباره‌ی موج جدید سرکوب در ترکیه می‌گوید: «همانند رژیم ایران، دولت فعلی ترکیه هم می‌خواهد مدت‌هاست که در مقابل این امر LGBTQ+ تحت لوای شریعت حکومت کند. اما زنان و گروه‌های مقاومت، مخالفت و شورش کرده و می‌کنند. اما با افزایش فقر، فساد و دزدی در نهادهای دولتی، خشم «انباشته‌شده در جامعه، در نهایت متوجه زنان، دگرباشان جنسی، مهاجران و حیوانات می‌شود»

در بخش دیگری از بیانیه‌ی «گروه زنان در کنار هم پرتوان‌اند» در مقابل کنسولگری استانبول آمده است:

«این روزها برداشتن حجاب از امری فردی به امر جمعی بدل شده است. این روزها صدای آشنایی از «خیابان‌های تهران به گوش می‌رسد: "زن، زندگی، آزادی» [1]

[1] Jin, Jiyan, Azadî